Archive of SID

استانداردهای حسابداری اسلامی*

شادیه رحمان / سید حسن صالح‌نژاد**

چکیده: بسیاری از جنبه‌های اقتصاد اسلامی تا حد زیادی با اقتصاد غربی متفاوت است. تکنیکهای حسابداری انگلیسی ـ آمریکایی نمی‌توانند به آسانی در اقتصاد اسلامی به کار گرفته شوند و بنابراین استانداردهای حسابداری بین‌المللی بنا شده بر چنین تکنیکهایی مشکلاتی را برای مسلمانان در سراسر جهان ایجا خواهد کرد. به این دلیل برای حسابداران مسلمان مهم است که استانداردهای حسابداری را توسعه دهند که به طور خاص مناسب نیازهای اسلامی‌شان باشد.

کلیدواژه: استانداردهای حسابداری، حسابداری اسلامی، استانداردهای حسابداری اسلامی، سیستم سود و زیان اسلامی.

در سالهای اخیر در دنیای حسابداری تاکید بر توسعهٔ استانداردهای بین‌المللی حسابداری در پاسخ به جهانی‌سازی فزایندهٔ بازارها و اقتصادها بوده است . برخی استدلال می‌کردند که استانداردهای بین المللی قابلیت مقایسه و قابلیت درک صورتهای مالی را افزایش می‌دهد؛ موجب صرفه‌جویی در وقت و منابع مالی می‌شود؛ تفسیر را آسان می‌سازد و قابلیت اعتماد حرفه و فرایند گزارشگری مالی را بهبود می‌بخشد (Choi & Mueller, 1992). اما قلمرو تدوین استانداردهای بین المللی تحت نفوذ تفکر حسابداری انگلیسی ـ آمریکایی است. مضافاً اینکه اکثر استانداردها از روش ایالات متحد آمریکا پیروی می‌کنند. این روش برای اهداف اسلامی نامناسب است زیرا اقتصاد اسلامی بر مبنای ملاحظاتی کاملاً متفاوت با اقتصاد غرب بنا شده است.

در این مقاله نشان داده می‌شود که چرا روشهای حسابداری انگلیسی ـ آمریکایی نمی‌توانند در اقتصاد اسلامی به کار گرفته شوند. به ویژه با تکیه بر عدم قابلیت به کارگیری برای اهداف زکات و بانکداری بدون بهره. لازم است کشورهای اسلامی نهاده‌های

* این مطلب ترجمهٔ بخشهایی از مقالهٔخانم شادیه رحمان (Shadia Rahman، محقق مالزیایی) با عنوان "Islamic Accounting" است و از طریق سایتی به آدرس http: //www. Ifew.com دریافت شده است.

www.SID.ir

Archive of SID

**عضو هیئت‌علمی دانشگاه پیام‌نور، مرکز بهشهر.

بیشتری برای فرایند تدوین استاندارد بین‌المللی داشته باشند.

۱. اقتصاد اسلامی در مقایسه با اقتصاد غربی

اقتصاد اسلامی مبتنی بر شریعت است؛ قانونی اسلامی که بر فعالیت دنیوی همانند فعالیت مذهبی حاکم است. هدف اساسی شریعت این است که به بشریت نوید زندگی بهتر و عدالت اجتماعی ـ اقتصادی بدهد. این دین می‌آموزد که ثروت تعلق به خداوند دارد و انسان صرفاً امانتدار این ثروت است تا با استفاده از این امانت اهداف مذکور را تحقق بخشد (قرآن،۵۷: ۷). سیستم اقتصاد اسلامی مبتنی بر این آموزه است که هیچ فردی نباید آنچه اساساً خلقت خداوند است یا محصول تلاش و مهارتهای انسان دیگری است برای خودش بخواهد (Haqiqi & Pomeranz, 1987: 156). بنابراین، این سیستم تا حد زیادی بر پایهٔ عدالت اجتماعی شکل گرفته است. این تفاوت اساسی بین اقتصاد اسلامی و اقتصاد غربی است.

در اقتصادهای ماده‌گرایی غربی، انسان حق نامحدود و مطلق بر ثروت دارد و به او اجازه داده می‌شود هرگونه که می‌خواهد از آن استفاده کند (Shafi,1979). هدف اصلی فرد این است که این ثروت را حداکثر سازد وته خط هر موسسهٔ انتفاعی غربی حداکثر کردن سود و حداقل کردن زیان است. در حالی که در اقتصاد اسلامی، افراد حق مطلق بر ثروت خود ندارند. اگر چه مالکیت بر ثروت به آنها اهدا شده است اما این مالکیت فقط به عنوان امانت است و آنها باید فقط مطابق دستورات داده شده از طرف خداوند آن ثروت را مورد استفاده قرار دهند. آنها نباید به طور مسرفانه و تبذیرگونه ثروت خودشان را مصرف کنند و باید آن را برای اَدای دین خودشان به دیگران بدهند. برای دیگران نیز یک حقی در ثروت فرد است.قرآن کریم می‌فرماید: در ثروتهایشان یک حق مسلمی برای کسانی است که در جستجوی آن هستند و آن افراد نیاز به آن دارند. بنابراین حداکثر کردن ثروت هدف اصلی اقتصاد در اسلام نیست.

تفاوت به طرز خوبی توسط گرن (1981) جمع‌بندی شده است:

«اقتصاد دانان غربی عموماً نمی‌توانند هر معیاری که ورای دنیا ی مادی توسعه یابد را درک کنند در حالی که مسلمانان عموماً نمی‌توانند هر معیاری که غیر از آن باشد را درک کنند». یکی از هدفهای اساسی اقتصاد اسلامی این است که ثروت به جای اینکه در دستان یک عدهٔ محدودی متمرکز شود در جامعه تا آ ن سطح و گستره‌ای که ممکن است گردش کند تا اینکه تفاوت بین غنی و فقیر تا حد ممکن کم و اندک شود، حدی که طبیعی و عملی باشد (Shafi, 1979). ابزارهای خاصی به منظور دستیابی به این هدف ایجاد شده‌اند.برای مثال تکلیف کردن زکات یک نوع مالیات دستوری مذهبی برای غنی است که به فقیر و نیازمند پرداخت کند و ربا یا بهرهٔ ثابت حرام شده است. این راه‌کارهای اجرایی تا حد بسیار زیادی با روش معمول در اقتصادهای غربی متفاوت است و به خوبی نمی‌توانند از استانداردهای حسابداری فعلی خدمات دریافت کنند. همانگونه که در اینجا بررسی می‌شود.

۲. زکات

زکات یکی از ارکان اساسی اسلام است: دومین وظیفه از مهمترین وظائف مسلمانان . از نظر ادبیات اصطلاح زکات به معنی خالص سازی است. اشخاص با یک سطح خاصی از ثروت انباشته شده مشمول پرداخت زکات به منظور خالص سَاختن خودشان از گناه حرص و طمع می‌شوند (Haqiqi & Pomeranz, 1987). زکات به عنوان سنگ آسیاب ساختار مالی در یک دولت

www.SID.ir

Archive of SID

اسلامی توصیف شده است (Siddiqi, 1982: 8). هدف آن ریشه‌کن‌سازی قدرت از طریق توزیع مجدد ثروت از غنی به فقیر و نیازمند است. زکات صدقه نیست بلکه چیزی است که از منظر حق به فقیر و نیازمند تعلق دارد. بنابراین زکات گردش ثروت در جامعه را دائماً حفظ می‌کند، جامعه‌ای خلق می‌کند بر اساس کمک به یکدیگر و اگر به طرز مناسبی توسعه یابد، یک حداقل سطح زندگی را برای همهٔ افراد جامعهٔ اسلامی تضمین می‌کند (Alam, Unpublished).

فقط آنهایی که ثروتی بالاتر از یک حد خاص (نصاب یا ارزش آغازین که معمولاً معادل ۸۵گرم طلا است) دارند باید زکات بپردازند و عمدتاً قابل پرداخت به آنهایی است که ثروتی زیرحد نصاب دارند. این مسئله در واقع این اطمینان را می‌دهد که توزیع از فرد ثروتمند به آنهایی که کمتر از حد پایه دارند صورت می‌گیرد. زکات فقط برای ثروت مازاد قابل پرداخت است، نه ثروتی که مورد استفاده است. بنابراین زکات ماندهٔ وجوه نقد بلا استفاده و ذخیره شده را جریمه و سرمایه‌گذاری را تشویق می‌کند (علَم، منتشرنشده). بخش داوطلبانه (صدقه) نیز قویاً در اسلام تشویق شده است.

در کشورهای غربی مالیات یک چیز بد در نظر گرفته می‌شود که در برخی موارد از آن اجتناب می‌شود. حسابداران به کار گرفته می‌شوند تا هزینهٔ مالیات را برای صاحب‌کاران خود تا جایی که ممکن است بدون شکستن حریم قانون کم کنند. در حالی که پرداخت زکات یک وظیفهٔ دینی مهم است یک عمل عبادی است (Clarke et al, 1996: 196-208). بر این اساس تلاش برای فعالیت غیر تولیدی به منظور کم کردن زکات قابل پرداخت گناه تلقی می‌شود. مسلمانان تشویق می‌شوند که با ثروت خودشان مولد باشند. زکات به عنوان قرض به خداوند تلقی شده است که او چندین برابر آن را در جهان آخرت پس خواهد داد (**قرآن**، ۲: ۲۴۵).

۲ـ۱ زکات چگونه عمل می‌کند

زکات مؤسسات تجاری همچون زکات افراد است. مالکین مسلمان موسسات تک مالکی و شرکای مسلمان شرکتهای تضامنی متعهد به پرداخت زکات هم برای ثروت شخصی خود و هم براساس شرکتنامهٔ تجاری خود هستند(Faris, 1966: 8).

زکات مالیات بر ثروت انباشته یا مالیات بر خالص موجودی داراییهاست. بر این اساس با فرم از قبل تعیین شدهٔ مالیات در دنیای انگلیسی ـ آمریکایی که بر افزایش ثروتهای خاص یا سود تعلق می‌گیرد متفاوت است. اما بحث زیادی در حسابداری در مورد آنچه سود را تشکیل می‌دهد و اینکه چه افزایش ثروتهایی باید مشمول مالیات شود، وجود دارد. مالیات بر ثروت انباشته برعکس سطح اطمینان بیشتری در محاسبه دارد و فضای کمتری برای مصلحت‌اندیشی بر حسب تفسیر یا دستکاری سیاسی اشغال می‌کند (Clarke et al, 1996: 195-208).

نرخ زکات معمولاً دو و نیم درصد ماندهٔ ثروت انباشتهٔ مازاد بر نصاب یا حد خاص است (برای جزئیات پیوست ۱ را مطالعه کنید). سالی یک بار قابل پرداخت است. سال مالی ممکن است در هر زمانی پایان یابد اما در عمل بسیاری از سازمانها سال مالی خود را در طول رمضان، نهمین ماه تقویم اسلامی به پایان می‌برند. زکات در موارد زیر قابل پرداخت است.

۱) به طور واقعی تحصیل شده است.

۲) تولیدی است.

۳) مازاد بر دارایی است.

۴)برای یک سال کامل تحت تملک است.(Clarke et al. 1996: 195-208).

مالکیت واقعی به این مفهوم است که کس دیگری ادعای مالکیت بر داراییها را ندارد. داراییهای تولیدی شامل موارد زیر است:

- موجودی وجه نقد در صندوق و بانک.
- موجودی سهام اوراق قرضه و سایر

www.SID.ir

Archive of SID

اوراق‌بهادار.

- موجودی کالای تکمیل شده که برای فروش در نظر گرفته شده است.
- داراییهای ثابت صنعتی نه مستقیماً به خاطر اینکه آنها داراییهای مازاد نیستند بلکه غیرمستقیم بر مبنای ستاده.
- عایدات حاصل از زمین و ساختمان اجاره داده شده.
- خالص مطالبات (حسابهای دریافتنی پس از کسر مطالبات مشکوک الوصول وهمچنین پس از کسر حسا بهای پرداختنی)، (Iqbal & Amerah, 1990).

داراییهایی که مورد استفاده یا مورد مصرف هستند نظیر اثاثیهٔ اداری یا وسائط نقلیه از این قواعد مستثنی هستند به خاطر اینکه برای تجارت (خرید و فروش) فراهم نشده‌اند.

فقط داراییهای مازاد مشمول زکات هستند، به این مفهوم که اگر جمع داراییهای مشمول زکات تملک شده توسط واحد تجاری کمتر از حد نصاب در زمان محاسبه زکات باشد، واحد تجاری مجبور به پرداخت زکات نیست. برای شرکتهای تضامنی زکات بر اساس جمع ارزش داراییهای تملک شده توسط شرکا محاسبه می‌شود.

داراییها باید برای یک سال کامل تملک شده باشند. این بدین معنی است که تملکهای اتفاقی و کالاهای فاسد شدنی از زکات مستثنی هستند.

۲ـ۲ ارزشیابی داراییها به مقصود زکات

ارزشیابی داراییها بر مبنای قیمت فروش متداول در زمان تعلق زکات است. بنابراین ارزشیابی زکات موازی مفهوم حسابداری جاری مداوم(COCOA) یا معادل وجوه نقد جاری است که موضوع بسیاری از بحثها در حسابداری انگلیسی ـ آمریکایی است، (Clarke, 1996: 195-208).

اصطلاح ارزش ورودی مبادله در روش ارزشیابی مشارکت می‌کند (پیوست۱ را ببینید). این مسئله حاکی از قدرت یک مورد قابل مبادله برای تحصیل یک مقدار از مورد دیگری است (Clarke, 1996: 195-208; Hicks, 1942) و به طور هم زمان قیمت فروش یک دارایی و قیمت خرید دارایی دیگر است.

ارزشیابی به یک قلم خاص اختصاص دارد، به این معنی که شخص پرداخت کنندهٔ زکات باید سن، فایده‌مندی و کاهش ارزش دارایی را در زمان ارزشیابی در نظر بگیرد.

اگر روشهای حسابداری انگلیسی ـ آمریکایی به کار گرفته شوند، چه مشکلاتی ایجاد خواهد شد؟ قواعد زکات با اصول پذیرفته شدهٔ حسابداری (GAAP) انگلیسی ـ آمریکایی سازگار نیستند. در نتیجهٔ ارزشیابی موجودیها، ارزشیابی حسابها ی دریافتنی و مفهوم محافظه‌کاری مشکلاتی ایجاد می‌شود.

الف) ارزشیابی موجودیها

مطابق اصول پذیرفته شدهٔ حسابداری (GAAP)، موجودیها باید بر اساس اقل بهای تمام شده یا ارزش بازار ارزیابی شوند. ارزش بازار می‌تواند بهای تمام شدهٔ جایگزینی و یا ارزش خالص بازیافتنی باشد، اگر چه معمولاً مورد اخیر صادق است. در عمل این قاعده تقریباً همیشه منجر به این می‌شود که بهای تمام شدهٔ ارزشیابی ترازنامه باشد(۱۹۹۶). برای مقاصد زکات فقط قیمت فروش مربوط تلقی می‌شود. این به این مفهوم است که مؤسسات اسلامی اگر بخواهند قواعد زکات را رعایت کنند نمی‌توانند از ارزشیابی اصول پذیرفته شدهٔ حسابداری (GAAP) برای موجودیها استفاده کنند.

ب) ارزشیابی حسابهای دریافتنی

زکات فقط بر اساس خالص مطالبات قابل پرداخت است، یعنی بر اساس حسابهای دریافتنی پس از کسر

www.SID.ir

Archive of SID

مطالبات مشکوک الوصول منهای حسابهای پرداختنی. بنابراین زکات فقط به آن دسته از مطالبات تعلق می‌گیرد که انتظار می‌رود تحقق یابند. اما بر عکس روش انگلیسی ـ آمریکایی، ذخیرهٔ کلی بر آوردی برای مطالبات مشکوک الوصول وجود ندارد. حسابها به منظور تعیین اینکه آیا و تا چه میزان انتظار می‌رود که وصول شوند یک به یک ارزیابی می‌شوند. چیزی به عنوان مطالبات مشکوک الوصول وجود ندارد، مطالبات یا خوب است یا بد (Clarke, 1996: 195-208).

۳. مفهوم محافظه‌کاری

حسابداری انگلیسی ـ آ مریکایی از مفهوم محافظه کاری یا احتیاط تبعیت می‌کند. این مفهوم حاکی از آن است که نیاز به اعمال دقت و توجه در زمانی وجود دارد که با ابهامات مواجه هستند و بیان می‌کند که دقت اضافی باید به عمل آید تا اطمینان حاصل شود که داراییها و درآمدها بیش از واقع و بدهیها و هزینه‌ها کمتر از واقع بر آورد نشوند. این به این مفهوم است که با توجه به دو ارزیابی ممکن برای یک دارایی، حسابدار انگلیسی ـ آمریکایی باید ارزیابی کمتر را انتخاب کند، در حالی که این مسئله مغایر با مفهوم زکات است. ارزیابی کمتر از واقع داراییها به معنی بدهی زکات کمتر است اما همانگونه که قبلاً مطرح شد پرداخت زکات یکی از مهمترین وظایف دینی مسلمانان است و اسلام مسلمانان را تشویق می‌کند که در ارتباط با ثروت خودشان سخی باشند. بنابراین آنها باید مواظب باشند که داراییهایشان کمتر ارزیابی و نیز بدهیهایشان بیشتر ارزیابی نشود و بنابراین مفهوم محافظه‌کاری برای ارزیابی زکات قابل به‌کارگیری نیست.

پس واضح است که تفاوت زیادی بین حسابداری برای زکات و روش معمول حسابداری در غرب وجود دارد. بنابراین استانداردهای حسابداری انگلیسی ـ آمریکایی برای اهداف زکات مناسب نیست.

۴. بانکداری بدون بهره

ربا یا بهرهٔ ثابت تمایل به انباشته شدن ثروت در دستان تعداد محدودی را تقویت می‌کند و بر این اساس علاقهٔ انسان به همنوعانش را کاهش می‌دهد. منفعت را بدون خطر زیان تضمین می‌کند و مانع سرمایه‌گذاری و اشتغال می‌شود (اسلام و واسطه‌گری مالی، ۱۹۸۲: ۱۱۱ـ۱۱۰).

بهره یکی از مهمترین عوامل ایجاد توزیع ناعادلانهٔ ثروت است (Alam, unpublished). نرخ بهرهٔ ثابت، سود حاصل از پول مشارکت شده را صرف نظر از اینکه وام‌گیرنده سود می‌کند یا زیان، تضمین می‌کند. بنابراین ممکن است نیروی کار پاداش نگیرد در حالی که سرمایه را قرض کرده است؛ سرمایه‌ای که وام‌دهنده هیچ تلاش یا کوششی نکرده است و سرمایه او با این استفاده فرسوده نمی‌شود یا کاهش نمی‌یابد و پاداشش تضمین شده است (Shafi, 1979). آنهایی که پول دارند با یک روش آسان آن را افزایش می‌دهند در حالی که آنهایی که نیازمند پول هستند ممکن نیست بتوانند چرخهٔ قدرت را کنترل کنند. چون تعهد کرده‌اند که بهره پرداخت کنند صرف‌نظر از اینکه آیا می‌توانند به طور معقولی از عهدهٔ آن برآیند یا نه اسلام این مورد را غیرعادلانه در نظر می‌گیرد.

دلایل دیگر حرام بودن بهره توسط عَلَم (منتشر نشده) شرح داده شده است که عبارت‌اند از :

- بهره به معنی این است که وام‌دهنده پول تضمین شده‌ای را به دست می‌آورد بدون اینکه تلاشی کرده باشد. اسلام این را دوست ندارد. این منجر به وابستگی به بهره می‌شود و بر اساس آن مردم از کار کردن باز داشته می‌شوند. این مسئله مخصوصاً در انگلستان

www.SID.ir

Archive of SID

در اوایل قرن نوزدهم آشکار بود. وقتی ثروتمند صرفاً بر اساس بهرهٔ سرمایه زندگی کند کمتر تمایل دارد که برای زندگی کردن کار کند.

- مجاز دانستن بهره مردم را از کمک به یکدیگر باز می‌دارد. برای نمونه وام دادن پول به دیگری بدون درخواست چیزی در قبال آن یک نمونه از کمک به دیگران است. اما هیچ انگیزه‌ای برای انجام این کار وجود ندارد اگر وام‌دهنده بتواند به راحتی از وام بهره دریافت کند.
- گرفتن بهره به معنی تصرف دارایی شخص دیگری بدون دادن چیزی در قبال آن است که منع شده است.
- گرفتن بهره ظلم و استثمار را دربردارد به طوری که آنهایی که بدون پول هستند مجبورند جهت تحصیل پول کافی به منظور پرداخت بهره و در عین حال تأمین زندگی خود سخت کار کنند.

۵. سیستم سود و زیان اسلامی

اسلام به جای مجاز دانستن بهرهٔ ثابت خطر زیان را به سرمایه می‌دهد تا هر عامل دیگر تولید. بنابراین در اسلام هر پولی که وام داده شد یا صرفاً به منظور کمک به شخص دیگر است، صرف‌نظر از هر نوع سود، و یا بر مبنای سهیم شدن وام‌گیرنده در هر نوع سود یا زیان ایجاد شده است. اخیراً بانکداری اسلامی در کشورهای اسلامی نظیر عربستان سعودی و مصر رایج شده است. این بانکها بر مبنای تسهیم چنین سود و زیانی کار می‌کنند و کارکرد بدون بهره دارند.

حقیقی و پمرنز (1987) چندین توافقنامه مختلف تسهیم سود و زیان که توسط بانکهای اسلامی به کار گرفته شده‌اند را شرح داده‌اند:

۱.مضاربه (تأمین مالی امانتی): بانک به عنوان یک شریک عمل می‌کند. وجه نقد را برای وام‌گیرنده فراهم می‌سازد و او را در سود خالص و زیان خالص فعالیت تجاری شریک می‌کند. وام برای یک دوره تعیین نمی‌شود، اگرچه قرار داد ممکن است توسط هر یک از طرفین لغو شود.

۲. مرابحه (تأمین مالی تجارت به صورت بهای تمام شده به علاوه چند درصد): بانک به عنوان یک شریک کالای خریداری شده را برای سهمی از سود زمانی که کالا فروخته شد تامین مالی می‌کند. بانک ممکن است در زیان ایجاد شده سهیم شود یا نشود. باز پرداخت ممکن است یک جا یا به اقساط باشد.

۳. مشارکه (تأمین مالی مشارکت): بانک بخشی از سرمایه و قسمتی از سرمایه در گردش فعالیت تجاری را فراهم می‌کند و در سود یا زیان سهیم است.

٤.اجاره (تأمین مالی اجاره‌ای): بانک یک قطعه از تجهیزات را می‌خرد و آن را به واحد تجاری اجاره می‌دهد. متناوباً برای قراردادهای اجاره یا خرید واحد تجاری بخشی از تجهیزات را می‌خرد و بخشی را اجاره می‌کند.

٦. موضوعات حسابداری بانکداری بدون بهره

بسیاری از بانکها در کشورهای اسلامی نظیر عربستان سعودی اخیراً دو دسته گزارشهای حسابرسی شده منتشر می‌کنند: یکی برای بانک مرکزی و دیگری برای سهامداران و اشخاص ثالث (Tokunga, 1989). فشار روی بانکهای اسلامی در عربستان سعودی وجود دارد تا پیوستگی به استانداردهای حسابداری وحسابرسی را بهبود ببخشند (Abalkhail, 1991: 86-7). اما تا کنون هیچ استاندارد یا رهنمود حسابداری و حسابرسی برای بانکداری اسلامی به طور خاص پدید نیامده است. به

www.SID.ir

Archive of SID

خاطـر ایـنکه ایـن یک موضوع نسبتاً جدید است (اولین بانک اسلامی جدید در سال ۱۹۷۱م شکل گرفت) و در این بخـش به خاطر زکات و حسابداری دولتی ممکن است پذیرش تکنیکهای حسابداری انگلیسی ـ آمریکایی باعث بروز مشکلاتی بشود.

بـرای نمونـه حسـابداری انگلیسـی ـ آمریکایـی بر اسـاس اصـل تـداوم فعالیـت فـرض می‌کند که سازمان تجـاری یـک عمر نا محدود خواهد داشت. اما این برای وضـعیت مضـاربهٔ بانکداری مناسب نیست؛ وضعیتی که در آن قـرارداد (کـه کارآفریـن و بانک را شریک می‌کند) ممکـن اسـت در هـر زمانـی لغـو شـود. بنابراین در این محـدوده نـیز تکنـیکهای حسـابداری انگـلیسـی ـ آمریکایی برای مسلمانان مناسب نیستند.

نتیجه‌گیری

به این ترتیب واضح است که بسیاری از جنبه‌های اقتصاد اسـلامی تـا حـد زیـادی با اقتصادهای غربی متفاوت‌اند. تکنـیکهای حسابداری انگلیسی ـ آمریکایی نمی‌توانند به آسـانی در اقتصـادهای اسـلامی بـه کـار گرفـته شوند و بنابرایـن اسـتانداردهای حسـابداری بین‌المللی بنا شده بر چنیـن تکنیکهایی مشکلاتی را برای مسلمانان در سراسر جهـان ایجـاد خواهـند کرد. به این دلیل برای حسابداران مسلمان مهم است که استانداردهای حسابداری را توسعه دهند که به طور خاص مناسب نیازهای اسلامی‌شان باشد و بـه کشـورهای اسـلامی اطمیـنان دهـد کـه از طـرف سـازمانهای تدویـن استانداردهای بین‌المللی حسابداری در نظر گرفته می‌شوند.

پیوست نرخ زکات

نـرخ زکـات معمـولاً دوونیم درصد داراییهای انباشته شـده بالای نصاب یا نقطهٔ آغازین است. در حالی که ایـن نـرخ می‌تواند برای طبقات مختلف داراییها تغییر کـند، قـاعدهٔ کلـی ایـن است که هر چه مقدار کار و سرمایهٔ کمتری در تولید درگیر باشد، نرخ زکات بالاتر اسـت (Siddiqi, 1982). این واقعیت بر اساس این عقیده اسـت کـه رزق و روزی از جـانـب خـداونـد مـی‌آیـد. اگر کار و سرمایه کمتری برای تولید چیزی درگیر شده است به معنی این است که بقیهٔ نهاده‌های تولـید از طـرف خداوند اعطا شده است. بنابراین یک درصد بزرگتری از کالای تولید شده باید تحت عنوان زکات به خداوند پس داده شود.

یـک مثال کلاسیک از این قاعده نرخهای زمین آبی (آبـیاری شـده) و دیـم (تغذیه با آب باران) است. نرخ زکـات بـرای زمیـن دیـم بالاتـر از نرخ زکات زمین آبی اسـت. آبـیاری هم نیروی کار را جهت اجرای آبیاری در بـر دارد و هم سرمایه جهت اجرای سیستم آبیاری را؛ اما زمینـی کـه آ بـیاری نشده است، آب مورد نیاز را فقط از بـاران تامیـن مـی‌کند (نیازمند نهاده‌های کمتری است) و باید مشمول نرخهای بالاتر زکات شود.

ثروتـی کـه به واسطهٔ کار اندک و مخارج خیلی کم حاصـل مـی‌شـود مشـمول بالاتریـن نرخ زکات (بیست درصـد) اسـت. مـثالها مـی‌تواند شامل پیدا کردن دفینه و غنیمـت جنگـی باشـد (بـه خاطـر اینکه در اسلام جنگ مذهبـی فقـط بـه خاطـر خداونـد صورت می‌گیرد وهر ثروتـی کـه بـه دسـت مـی‌آیـد اتفاقی است). ثروتی که نیازمـند تـلاش بیشتر است اما باز هم تا اندازه‌ای بستگی بـه خداونـد دارد بـرای مـثال محصـولات کشـاورزی و حـیوانات، مشـمول نـرخ تـا انـدازه‌ای کمـتر (ده یا پنج درصـد) هستند و ثروتی که نیازمند بیشترین تلاش است بـرای مـثال انباشت وجه نقد (به خاطر اینکه بازرگانـان خطـر زیـان بیشـتری را متقـبل مـی‌شـوند و تقریباً تماماً بسـتگی بـه مدیریت و هوش دارد) مشمول کمترین نرخ زکات (دو و نیم درصد) است (Siddiqi, 1982).

جدولـی کـه از کـلارک (1996) گرفـته شده است

www.SID.ir

Archive of SID

نـرخهای زکـات مـتداول در نخسـتین روزهـای اسـلام (حدود۶۰۰ سال پس از میلاد مسیح) را نشان می‌دهد:

جدول ۱

اقلام	نصاب	نرخ	درصد
وجه نقد(درهم)	۲۰۰ درهم	۵ درهم	۲/۵
وجه نقد (دینار)	۲۰ دینار	۵ درهم	۲/۵
شتر	۵ راس	۱ گوسفند	۲۰
گاو میش	۱۰ راس	۱ گوسفند	۱۰
گوسفند	۴۰ راس	۱ گوسفند	۲/۵
غلات ـ آبی	۵ شتر بار	–	۵
غلات ـ دیم	۵ شتر بار	–	۱۰

البته این مبنای نظری نرخها در اسلام است اما این که چـه میزان مردم از این نرخها تبعیت می‌کنند خارج از حوصلهٔ این مقاله است .

از نوشـته‌هـای اولیـن فلاسـفه لیبرال مانند میل، بنـتام و لـوک چنیـن برمی‌آید که آنها فرد را به عنوان یـک شخص خود شیفته تلقی می‌کنند که علاقه‌مند به تعقیب خوشیهاست. این عقیده به فریدمن (1953) نیز منـتقل شـده اسـت کـه ادعـا مـی‌کـند تـنها مهمترین مسئولیت واحد تجاری حداکثر کردن سودش است.

همیشـه در هـر جامعـه‌ای نابرابـری درآمـد تـا انـدازه‌ای وجـود خواهد داشت و به خاطر این مسئله اسـت که اسلام تشویق افراد به وضع قوانین ابتکاری را اجازه داده است (عَلَم، منتشر نشده).

طبقاتـی از مـردم که زکات به آنها تعلق می‌گیرد در قرآن (۲: ۱۷۷) به وضوح تعیین شده است:

«امـا نـیکو کـار کسی است .....ومال خود را با ایـنکه آن را دوست دارد به خویشان و یتیمان و فقیران و در راه‌ماندگان و گدایان و بـرای آزادی برده‌ها بدهد ....».

اگـر معاملـه‌گر موادخام معامله کند مواد خام نیز مشـمول زکـات خواهـد بـود. امـا ایـن قـاعده شامل تولیدکـنـندگان کـه آنها را برای ساخت کالای تولیدی مـورد استفاده قرار می‌دهند، نمی‌شود. زیرا مؤسسات موجودیهـا را مـی‌خـرند تـا بـا مبلغی سود بفروشند. قیمتـی که بر اساس آن موجودیها را می‌خرند کمتر از قیمتی خواهد بود که بر اساس آن موسسـه انتظـار فـروش آنها را دارد (به غیر از موجودیهایی که نایاب، خسارت دیده یا از مدافتاده هستند).

به عنوان یک مثال از این مورد لازم است انسان فقـط نگاهـی بـه کشورهای فقیر در آمریکای جنوبی بیـندازد کـه زیـربار پرداخـت مـبالغ بهـره در نتیجه بدهیهای خارجی کمر آنها خم شده است.

اقسـاط اولـیهٔ هـر بـاز پرداخت بدهی دارای بهره‌ای بیشـتر از اصـل اسـت و این چیزی است که باز پرداخت بدهی را خصوصاً برای افراد فقیرمشکل می‌سازد.

منابع

Abalkhail, M. (1991), *Arab banking: After the crisis*, Euromoney, December 1991, pp. 86-7;

—— (1990), The use of corporate financial reports by investors in Saudi Arabia;

Advances in Inernational Accounting, 3, pp. 25-39;

Alam, K. (Unpublished), *The influence of Shariah on the financial system of an Islamic starte*;

Chang, S. & Khumawala, S. (1994), "Cultural influences and governmental accounting systems: A comparative analysis f three developing countries", Advances in *International Accounting*, 6, pp. 319-34;

www.SID.ir

Archive of SID

Clarke, F. & Craig, R. & Hamid, S. (1996), "Physical asset valuation and zakat: Insights and implications", *Advances in International Accounting* 9, pp. 195-208;

Crane, R. (1981), *Islamic commercial law in contemporary economics*, Economic, Embassy Handbook, Washington, Department of State;

Darvas, N. (1964), *Wall Street*, the other Las Vegas, New York: Lyde Stuart;

Faris, N. (1966), "The mysteries of almsgiving: A translation from the Arabic of the Kitab Asrar al-Zakah of Al-Ghazzali's Ihya", *Ulum al- Din Beirut*: The American University of Beirut;

Friedman, M. (1953), *Essays in positive economics*, Chicago: University of Chicago Press;

Haqiqi, A. & Pomeranz, F. (1987), *Accounting needs of Islamic banking*, Advances in International Accounting, 1, pp. 153-168;

Hicks, J. (1942), *The social framework*, London: Oxford University Press;

Iqbal, Z. & Amerah, M. (1990), *Public Finance in Islam*;

Lahore: Reders Publishers, (1982), "Islam and Financial Intermediation", IMF Staff Papers, 29;

Mathews, M. & Perera, M. (1996), *Accounting theory & development*, 3rd ed. Melbourne: Thomas Nelson Australia;

Shafi, M. (1979), *Distribution of wealth in Islam*, Karachi: Ashraf Publications;

Siddiqi, S. (1982), *Public Finance in Islam*, Delhi: Adam Publishers;

Tokunga, T. & Blakeway- Phillips, M. & Aitken, R. (1989*), Accountancy-Bank audit*: Abreast of the trend (Part 2), Banker, 139 (764), PP. 18-23.■

Chapra, M. (1986), Towards a just monetary system, Leicester: The Islamic Foundation;

Choi, F. & Mueller, G. (1992), *International accounting*, 2nd ed. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall;

www.SID.ir